

بازخوانی تاریخ تشیع امامیه

غیبت و مهدویت

دکتر جاسم حسین
دکتر عبدالعزیز ساشادینا

ترجمه دکتر محمودرضا افتخارزاده

Dr.A.Sachedina & Dr.J.Hussain /The Occutation & Mahdi,ism In the Imamite,Shiite Doctrine.(The Doctrine of Mahdi ism in Twelver shi ism as presented by Two contemporary Muslim Scholars)Dpartment of Religious studies .university of Virginia. May 1983 .U.S.A.Translation & Reviewe with an Long Introduction by : Dr.M.R.Eftekharzadeh.



«بازخوانی تاریخ تشیع امامیه ؛ غیبت و مهدویت» (عنوان چاپ دوم) «غیبت و مهدویت در تشیع امامیه از دیدگاه دکتر جاسم حسین و دکتر ساشادینا» (عنوان چاپ اول) ترجمه و تالیف دکترمحمودرضا افتخارزاده.

نقد و بررسی آراء و نظرات دو تن از شیعیان روشنفکر در زمینه عقیده مهدویت است.

کتاب به منظور آشنایی محققین با عقاید دکتر جاسم حسین و دکتر عبدالعزیز عبدالحسین ساشادینا و نکات ضعف اعتقادات آن‌ها درباره مهدویت، در سال ۱۳۶۹ش ترجمه ، تحقیق و تالیف شده است.

ساختار

کتاب با مقدمه مترجم آغاز و مطالب در سه بخش ارائه شده است:

کتاب در اصل، ترجمه رساله‌ای است که مؤلف آن را برای دوره کارشناسی ارشد نوشته است. مؤلف به بررسی دو دیدگاه متعارض مکتوب پیرامون غیبت و مهدویت امام دوازدهم(عج) پرداخته و خود بر یکی از این دو دیدگاه تاکید کرده است.مترجم آرای ساشادینا را در واقع حرف جدیدی ندانسته و آن را همان گفته‌های واقفیه در زمان غیبت امام عصر(عج) می‌داند که سعی کرده با استفاده از کتاب فرق الشیعة نوبختی که از متون قدیمی شیعه است، نظرات خود را تأیید کند.

به گفته مترجم، این دو محقق، بیشتر در زمینه دو مقوله «القائم (عنصر قیام در قضیه مهدویت)» و «المنتظر(عنصر انتظار ظهور امام)» و برخی مسائل دیگر، حرف و حدیث دارند و به ناروا از نظرات نوبختی، به نفع خود سود جسته‌اند.به گفته مترجم، نظرات نوبختی آخرین حرف و دقیق‌ترین سخن شیعیان در زمینه مهدویت نیست. مترجم در پاورقی و مقدمه مفصل کتاب، به نقد سخنان و نظرات این دو محقق پرداخته است.

گزارش محتوا

مقدمه مترجم، اشاره‌ای است به عقاید و باورهای اصیل شیعی در مباحث مربوط به مهدویت از جمله غیبت امام دوازدهم(ع)، آخرالزمان، ظهور امام غائب، مدینه فاضله، انسان ایده‌آل.مترجم معتقد است که مطالعه دقیق مقدمه وی، خواننده را در فضای عقیدتی مهدویت قرار خواهد داد و سفسطه‌ها و مغلطه‌های این دو محقق را آشکار و خنثی خواهد نمود.در بخش اول، آراء و نظریات دکتر جاسم حسین پیرامون رویدادهای غیبت امام دوازدهم(ع) مطرح شده است. وی کوشیده است تا دکترین مهدویت امام دوازدهم را بر اساس احادیث منسوب به پیامبر(ص) و امامان(ع) ترسیم کند. بنا به عقیده او، تعدادی از احادیث صریحاً دلالت دارند که جانشین دوازدهم پیامبر(ص)، همان امامی است که برای تحقق عدل و قسط در زمین خواهد آمد.وی در توصیفش از احادیث متوالی تاریخی عصر امام صادق(ع) به بعد، پیوسته به احادیثی ارجاع می‌دهد که ظاهراً به‌قدر کافی مبهم بوده و برای تقویت پاره‌ای از عقاید گوناگون مربوط به هویت «المهدی» به‌کار می‌رفته است. در نتیجه، وی اعتراف می‌کند که بسیاری از احادیث، به‌طور کلی تنها به مسئله معاد و قیامت مربوط است. موضوعی که راه تفسیر احادیث مزبور را بر اساس تمایلات علمای شیعه گشوده است.دوم، بیان دیدگاه دکتر ساشادینا در رابطه با عقیده مهدویت در تشیع امامیه است.وی در بررسی خود از تحول عقیده مهدویت در تشیع امامیه، به‌طور خلاصه می‌گوید که او از سه شیوه تحقیق پیروی کرده است:نخست آنکه بررسی منابع اولیه تشیع امامیه او را به این نتیجه رسانده است که امام دوازدهم(ع) پس از غیبت اولیه‌اش، نقش «القائم بالجهاد» (قیام برای احقاق حق خاندان پیامبر(ص)را بر عهده داشته است که باید در آینده نزدیک ی ظهور کند.

دوم آنکه وی مدعی است دریافت این مطلب که: «شیعیان مشوش بودند که آیا عنوان «المهدی» باید بر «القائم» اضافه شده باشد»، نظریه او را مبنی بر اینکه غیبت کبرای امام دوازدهم(ع) به نقش او به عنوان «مهدی منتظر»، اهمیت داده است، تائید می‌کند.

سوم اینکه تفسیر مواد اولیه مهدویت به یك مفهوم کلامی پیچیده و غیرطبیعی، توسط علماء دوره صفویه، مبیّن تلاش آنان برای توجیه قابل قبول چند حدیث مربوط به ولادت و غیبت امام مهدی(عج) است.نتایج حاصله از پژوهش ساشادینا، عبارتند از این که: علماء امامیه کوشیدند تا عقاید مربوط به امامت و مهدویت امام دوازدهم(ع) را مستدلاً اثبات کنند و همین کوشش‌ها بود که با وجود آزار و شکنجه شیعیان توسط رژیم‌های مختلف، ضامن بقاء عقاید شیعی شد. سپس وی در رساله‌اش می‌کوشد تا با دقت، این سه مطلب را اثبات کند.وی پژوهش خود را با بررسی اصطلاح «المهدی» آغاز کرده و تذکر می‌دهد که این اصطلاح در قرآن به‌کار نرفته و در عوض، اصطلاح «المهتدی» استعمال شده است.آنگاه وی کوشیده است تا به ترسیم چگونگی پیدایش «ایده مهدی» و تسلسل تاریخی آن در میان شیعان اولیه بپردازد.به نظر وی، رؤیای منجی، آنچنان دل‌انگیز بود که موجب شد تا شیعیان ستمدیده، به ایده «مهدی منتظر» دل خوش دارند.ازین پس او می‌کوشد تا تحول عقیده به مهدی را از شکل ساده اولیه عقیده به یك منجی غیبی، به یك عقیده پیچیده که می‌گوید یك مجدّد دینی در آخرالزمان ظهور خواهد کرد، ترسیم کند. وی در نتیجه‌گیری نهائی‌اش می‌گوید که تنظیم ایده مهدویت و روشن سازی آن در طی سه مرحله انجام گرفته است:مرحله نخست؛ بحران حاصله از مسئله جانشینی امام حسن عسکری(ع) بود. وی معتقد است که در این مرحله، از امام دوازدهم(ع) به «القائم» و «الحجة» تعبیر می‌شد، اما کسی مدعی نبود که او «مهدی موعود» است.دوم؛ زمانی است که امام دوازدهم(ع) توسط سفراء اولیه‌اش نمایندگی می‌شد و بیشتر چنین پیداست که غیبت او به‌طور موقت انتظار می‌رفت.سوم؛ با غیبت کبری آغاز می‌شود که رهبر خاصی برای رهبری و هدایت شیعیان تدارکدیده نشده و به جای آن راویان اخبار امامان، مسئول این کار می‌شوند.بنا به عقیده وی، این راویان، ایده غیبت امام را با ایده «مهدی موعود» که در احادیث اسلامی وجود داشت، درآمیختند تا عقیده «مهدی منجی نهائی» را تنظیم کنند.آخرین بخش، به تحلیل و مقایسه دیدگاه‌های این دو مؤلف پیرامون عقیده مهدویت امام دوازدهم(عج) پرداخته است.نویسنده در این تحلیل، بر روی سه نکته مهم ایده

مهدویت که ناشی از دیدگاه‌های مؤلفان است، متمرکز شده است. این سه نکته عبارتند از:

۱. نقش احادیث در تحول عقیده به امام غایب.
۲. تنظیم و تبیین عقیده مهدویت.
۳. ترویج عقیده به غیبت (دکترین غیبت)

وی معتقد است گرچه پژوهش جاسم حسین ملاحظات قابل توجهی را پیرامون وظایف دوره وکلا و پس از حیات امامان(ع) در برداشت، اما تفاسیر شخصی او از متون مذهبی، پژوهش او را ذهنی کرده است.به باور وی، پژوهش ساشادینا نیز مبتنی بر همان منابع اولیه‌ای است که جاسم حسین از آن‌ها استفاده کرده، اما با اختلاف روشنی در مورد ایده مهدویت ارائه شده است؛ پژوهش ساشادینا پیرامون تحول تدریجی ایده مهدی(ع)، شاید به طور کلی به عنوان نظریه تحول ایده‌ها و عقاید به حساب آید.وی معتقد است این دو محقق در تحقیقشان، قبل از اینکه بخشی از عقیده مورد بحث را مطرح سازند، ابتدا به تنظیم، تبیین و نظام بخشی به کارشان پرداخته‌اند و حتی اغلب جرح و تعدیل یا تفسیر مجددشان، مطابق با جزئیات تاریخی است.

کتاب از ترجمه‌ای روان و سلیس برخوردار بوده و مترجم در ضمن ترجمه، به نقد دیدگاه‌های نویسندگان پرداخته است.

وضعیت کتاب

فهرست مطالب و اسامی اشخاص، قبائل، مذاهب، فرق، کتب، اماکن و اصطلاحات مذکور در متن، در انتهای کتاب آمده است.

پاورقی‌ها توسط مترجم در آخر هر بخش آمده و به ذکر منابع و نقد دیدگاه‌های نویسندگان متن، اختصاص یافته است.

منابع مقاله

۱. مقدمه و متن کتاب.

یادآوری!

چاپ دوم این کتاب با و یرایش مقدمه و متن درسال ۱۳۹۲خورشیدی انتشاریافت.

محتوای این کتاب پیرامون این موضوع ، در میان کتب مکتوب موجود درباره ی این باور،» بی مانند و مهم ترین «است! در همایش جهانی پیرامون مهدویت که در دهه هفتاد خورشیدی از سوی وزارت ارشاد برگزار شد ، این کتاب از سوی هیئت علمی داوران همایش به عنوان »بهترین و مهم ترین « کتاب شناخته شد. وقتی هیئت علمی به برگزار کنندگان همایش اعتراض کرد که»: چرا این کتاب با این وضع رقت بار به چاپ رسیده «!و از مترجم خواست تا حضورش را در همایش اعلام کند و نام اورا صدا زد وجوابی نشنید، خطاب به دبیر همایش که»: چرا مترجم در همایش حضور ندارد؟«!پاسخ می شنود که :« دعوت کردیم حضور نیافت»(به نقل از یکی ازحاضران در همایش) اَلا لعنه الله علی القوم الکاذبین والظالمین!! البته مترجم هرگز در این نمایش شرکت نمی کرد.شگفتی در حسادت ، حقارت و دروغی است که دبیر همایش بروز داده است! این کتاب در چاپ اول و دوم قربانی حماقت ،جهالت و حسادتِ موبدشاهان و مدّعیانِ کاسبکارِ شیّاد گردید تا آنجا که دانشکده الهیات دانشگاه تهران این کتاب را مخفیانه خرید !! و این از شگفتی های روزگار است! در صورتی که اگر مولف ، مترجم ، موضوع و محتوای کتاب نورچشمی، گدازاده و دولتی ـ حکومتی می بود در صدها هزار نسخه با آب طلا چاپ می شد و« کتاب سال» می گردید و در رسانه های دولتی هوار می کشیدند که : «ببینید ما اینیم»!